

## سخن آغازین

پژوهشکده علوم و حیانی معارج وابسته به بنیاد بین‌المللی علوم و حیانی اسراء، در راستای غنی‌سازی پژوهش‌های حوزه اخلاق و دین، بررسی منابع، مواد و توان ادیان در حوزه مسائل اخلاقی، جلب پژوهش‌های کاربردی و ارائه پژوهش‌هایی در معرفی اخلاق اسلامی، با همکاری شماری از مؤسسات علمی حوزوی و آموزش عالی برای گام برداشتن در سیر تبیین مبانی معرفتی اخلاق در ادیان مختلف «همایش بین‌المللی اخلاق و ادیان» را در اسفند ماه سال ۱۳۹۱ برگزار کرد؛ موضوعات این همایش در پنج محور: مبانی معرفتی و زمینه‌های اجتماعی اخلاق، اخلاق در اسلام، ادیان و مسایل و معضلات اخلاقی، اخلاق در یهود و مسیحیت و اخلاق در آیین‌های شرقی برنامه ریزی شد. که با استقبال خوب اساتید و محققان داخلی و خارجی در حوزه اخلاق مواجه و به خوبی برگزار شد.

مقالات این شماره از «دوفصلنامه علمی پژوهشی اخلاق و حیانی» هفت مقاله برتر بین‌الملل ارائه شده در همایش مذکور است که با توجه به درخواست‌های مکرر علاقه‌مندان این حوزه مبنی بر دسترسی به این مقالات ارزشمند که تا کنون جایی به چاپ نرسیده، با هماهنگی و کسب اجازه از نویسندگان مقالات و مسئولین همایش جهت بهره‌مندی هر چه بیشتر مخاطبان و اساتید حوزوی و دانشگاهی و اخلاق پژوهان محترم، ترجمه و به همراه متن اصلی انگلیسی آن چاپ شده است.

همین جا شایسته است از تلاش و همت تمام نویسندگان و مسئولین همایش مذکور تشکر کرده و به خصوص از جناب آقای دکتر احمد احمدی به عنوان دبیر علمی همایش و نیز جناب آقای دکتر محسن جوادی که به عنوان دبیر بین‌الملل این همایش تمام زحمات هماهنگی، جذب و ارزیابی و گزینش نهایی مقالات خارجی را به عهده داشتند سپاسگذاری

نموده و آرزوی توفیقات ایشان را از خداوند منان طلب نماییم.

امیدواریم این ویژه‌نامه مورد توجه و استفاده خوانندگان گرامی این نشریه قرار گرفته و در راستای پژوهش‌های اخلاقی، به خصوص اخلاق اسلامی، گامی مؤثر پیش‌رونده بوده و به زیست اخلاق‌مدارانه جوامع، طبق مبانی ادیان الهی کمک کرده باشد.

## معرفی اجمالی نویسندگان و مقالات

### مقاله اول

**نویسنده:** / کوین رینهارت استاد مطالعات اسلامی دانشکده دین کالج دارتموث است. او کارشناسی خود را در رشته مطالعات عربی و خاورمیانه دانشگاه تگزاس و کارشناسی ارشد و دکتری را در مطالعات دین دانشگاه هاروارد سپری کرد. پیش از وحی: مرزهای معرفت اخلاقی مسلمانان تحقیقی است بر معرفت اخلاقی که در سال ۱۹۹۵ توسط انتشارات سانی منتشر شد. به تازگی وی کتابی را در زمینه گستردگی سنت‌های اسلامی در مناطق مختلف قلم زده است. در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ در ترکیه به مطالعه زبان ترکی و اسلامی ترکیه مشغول بود و تابستان ۲۰۰۳ را در کربلا و نجف برای انجام امور انسان‌دوستانه گذراند.

**مقاله:** قرآن کریم صرفاً یک کتاب قانون بسته نیست، بلکه با توجه به تأکید آن بر "معروف" که گاهی به صورت قیدی و گاهی به صورت مستقل به کار رفته، می‌توان گفت یافته‌های عقلی اخلاقی که به عنوان معروف شناخته می‌شوند مورد تأکید اسلام هستند. این معروف‌ها ممکن است در یک زمان متفاوت از زمان دیگر باشد مثلاً برده‌داری امروز معروف به شمار نمی‌آید.

### مقاله دوم

**نویسنده:** حاج محمد لکنهوسن در سال ۱۹۷۴ در دانشگاه ایالت نیویورک در آوبنه (مرکز اداری و دانشگاهی ایالت نیویورک) تحصیل کرد و در سال ۱۹۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه لاس تگزاس شد. وی در سال ۱۹۹۰ به دعوت انجمن حکمت و فلسفه به ایران مسافرت کرد و به تدریس اشتغال یافت. وی از ۱۹۹۳ از اساتید

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام و مؤسسه امام خمینی علیه السلام است؛ وی در سال ۱۳۸۹ بعنوان چهره ماندگار فلسفه در ایران انتخاب گردید. وی نویسنده کتاب اسلام و پلورالیسم دینی (لندن: الهدی، ۱۹۹۹) و برنده جایزه فارابی (۲۰۰۷) است.

**مقاله:** درباره هر صورتی از واقع‌گرایی اخلاقی، دیدگاه‌های اخلاقی دینی را می‌توان به صورتی تقریر کرد که با آن سازگار باشد یا آن را انکار کند، هرچند پذیرش یا رد واقع‌گرایی در هر مورد هزینه خاص خودش را دارد ولی وی استدلال می‌کند که موضع عمده فیلسوفان مسلمان، در سنت ابن‌سینا تا ملاصدرا، از جهات مهمی با دیدگاه ناواقع‌گرا همساز است؛ اگرچه رویکرد آنها را می‌توان به معنایی حداقلی واقع‌گرا دانست، مشترکاتش با برخی روایت‌های برساخت‌گرایی (constructivism) بیشتر است تا با واقع‌گرایی قاطع مور.

#### مقاله سوم

**نویسنده:** پروفیسور هابیل رینهارد هسه استاد فلسفه و اخلاق دانشگاه فرایبورگ آلمان است. از آثار او می‌توان مشکلات استدلالی، ابعاد تاریخی (مجله فلسفه عمومی علوم) (۱۹۷۶) خودبنیادی در علوم فلسفی، سیاسی، اجتماعی، منطق و ریاضیات (۱۹۷۹) و مقدمه‌ای بر فلسفه ساخت‌گرا در مکتب ارنلنگن اشاره کرد.

**مقاله:** وی معتقد است حتی در مسائل ساده نیز برای نیل به معرفت به دیگران وابسته‌ایم و البته ابزارمان زبان است که آن را در فرایندی طولانی آموخته‌ایم. وقتی، در فضای بین‌الذهانی، سؤالی می‌پرسیم با سؤال کردن، (الف) داده‌هایی انسان‌شناختی را می‌پذیریم، نظیر اینکه من به فرد دیگری نیاز دارم چون جواب را نمی‌دانم، من فکر می‌کنم که او می‌تواند به سؤال جواب دهد، و او سؤال مرا می‌فهمد؛ (ب) مسئولیت‌هایی ناظر به گفتمان را می‌پذیریم، از جمله درباره انتخاب واژه‌ها، خلوص، گشودگی فراذهنی (trans-subjective)، توجیه، گفتمان استدلالی، قواعد بحث و استدلال، گشودگی نسبت به تجدیدنظر، و تلاش برای توافق نظر. همچنین، از آنجا که به مثابه طرف گفتگو باهم برابریم، وظایف و حقوق یکسان داریم. بر اساس این «مجموعه قواعد» می‌توان نوعی «اخلاق حداقلی» داشت که لوازمی برای گفتگوی (dialogue) در پی حقیقت بار می‌کند. در واقع

نظریه او را می‌توان نقدی بر کانت دانست که بر آن بود که فرآیند نیل به معرفت فراورده فعالیت عقل منفرد است، و توجه نداشت که همیشه این فرآیند از طریق زبان محقق می‌شود که نیاز به دیگران دارد.

#### مقاله چهارم

**نویسنده:** پروفسور استفان پالم کوئیست، استاد دانشکده دین و فلسفه دانشگاه باپتیست هنگ کنگ است. او کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات دینی از کالج وستمنت سانتاباربارای کالیفرنیا دریافت نمود و دکتری الهیات فلسفی را از دانشگاه آکسفورد اخذ کرد. زمینه مطالعاتی او فلسفه، روانشناسی و دین است. از برخی آثار او می‌توان به پرورش شخصیت: کانت و فلسفه آسیایی، یادداشتی بر مفهوم دین در اندیشه امانوئل کانت در محدوده منطق مطلق و نظام فکری کانت: تفسیری ساختاری از فلسفه انتقادی اشاره کرد.

**مقاله:** در مقاله خود طرق مختلف تفسیر تمایز میان دو مفهوم "بخشیدن" و "گرفتن" را دسته‌بندی کرده و یکی از این طرق را که مبتنی بر تمایز میان بخشیدن و گرفتن فعال (active) و منفعل (passive) است مورد مذاقه قرار می‌دهد. ادعا این است که دست‌کم یک حیث اخلاقی مهم وجود دارد که بر اساس آن بخشیدن بهتر از گرفتن نیست، بلکه کاملاً برعکس است: چه بسا حقیقتاً نجات نوع بشر در گرو تمایل به گرفتن باشد.

#### مقاله پنجم

**نویسنده:** پروفسور پیترو نوینر استاد گروه الهیات کاتولیک دانشگاه مونیخ است. او در سال ۱۹۷۶ دکتری خود را در رشته الهیات اخذ کرد. در سال ۱۹۸۰ استاد الهیات بنیادی دانشگاه پاساو و در سال ۱۹۸۵ استاد الهیات دگماتیک دانشگاه مونیخ شد. از آثار اخیر او می‌توان به آموزه عمل کلیسا (۲۰۱۳)، جنجال بر سر مدرنیته کاتولیک (۲۰۰۹) و کلیسا به مثابه موسسات و افراد خدا (۲۰۱۱) اشاره کرد.

**مقاله:** در مقاله خود می‌گوید اخلاق خود بنیاد که آوتر مطرح کرد مبتنی بر تعقل است و چون عقل در همه مشترک است، قوانین منطق و قواعد اخلاق نیز عام و مستقل از اجتماع،

فرهنگ یا دین اشخاص است. در دیدگاه آوتر اخلاق خودبنیاد اخلاقی فارغ از دین یا اخلاقی بدون خدا نیست. وابسته بودن باور اخلاقی به تعقل طبیعی مستلزم آن نیست که همگان به یکسان رفتار کنند. باور دینی شکل خاصی به مفهوم اخلاقی می‌بخشد بدون اینکه عقلانیت آن را مخدوش کند. این امر می‌تواند به غنای اخلاق بی‌انجامد نه آنکه به نسیت اخلاقی مخرب منجر شود. اخلاق خودبنیاد در پی یک‌دستی نیست، بلکه تکثر صورت‌های اخلاقی را به رسمیت می‌شناسد و درصدد حذف آن بر نمی‌آید.

### مقاله ششم

**نویسنده:** آنجلیکا زیکا مدرس تاریخ ادیان از دانشگاه ارسطو در تسالونیک و دارای مدرک دکتری از مارک بلوخ دانشگاهی در استراسبورگ است. حوزه تخصصی وی در مطالعه اسلام و تمدن اسلامی عربی و در موضوع گفتگوی ادیان است، رشته‌ای که او در آن، به طور گسترده در دانشگاه استراسبورگ، مؤسسه جامعه اسقفی زبان عربی و مطالعات اسلامی، رم و دانشگاه عمان اردن مشغول مطالعه بوده است. علایق پژوهشی او حول محور کلام اسلامی و تاریخ و همچنین ابعاد اجتماعی، مذهبی و سیاسی اسلام در خاور متمرکز بوده است. تحقیق جامع وی در مورد مذهب شیعه به انتشار کتابی منجر شد که ابعاد اجتماعی و سیاسی مذهب شیعه در سال ۲۰۰۴ را به تصویر می‌کشد. او همچنین کتاب‌هایی با موضوع گفتگوی ادیان (۲۰۱۰)، امام مهدی (ناجی موعود) و جنبش‌های اسلامی (۲۰۱۰) کرد.

**مقاله:** در مقاله خود نشان می‌دهد که به رغم تفاوت نگاه ادیان ابراهیمی و شرقی به مسأله حیات و نحوه ادامه آن پس از مرگ، هیچ یک از آنها «به‌مرگی» فعال را مجاز نمی‌دانند.

### مقاله هفتم

**نویسنده:** پروفیسور هری هوبنر استاد بازنشسته الهیات و فلسفه دانشگاه کانادایی منونایت است. مدرک کارشناسی خود را در رشته ی فلسفه/ روانشناسی و مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته فلسفه اخذ نموده است. پس از ادامه تحصیل در رشته الهیات دانشگاه سنت مایکل موفق به دریافت مدرک دکتری خود شد و در سال ۱۹۷۱ به

کلیسای ام.بی. سی پیوست. از آخرین تألیفات او میتوان به اثر پژوهش‌های واژه: اخلاق الهیاتی به مثابه عمل خطابی (۲۰۰۵) اشاره کرد.

**مقاله:** هوبنر به دنبال کاوش در بحث مرسوم در باب قیود و شروط جنگ مشروع و خشونت مجاز نیست، بلکه بر یافتن راهی برای تقویت فضیلت صلح‌طلبی و صلح‌آفرینی و فضیلت ملازم با آن: دوستی، هست. او معتقد است در این راه موانعی وجود دارد که بزرگ‌ترین‌شان تلقی رایج از "خود" در فرهنگ امروز است. ما کمتر خود را گره‌خورده به منافع و مصالح جامعه‌مان می‌بینیم. باید تصویر نوی از "خود" و "جامعه" در سایه خدا به دست دهیم و هویت جدیدی برای انسان تعریف کنیم. باید صلح نخستینی که خداوند در آفرینش قرار داده است را محقق کنیم. این برداشت از صلح یک مفهوم بنیادین و مشترک در هر سه دین بزرگ توحیدی است؛ جدا از این که مفهومی که ارسطو از دوستی اجتماعی بیان می‌کند نیز قرابت‌های تنگاتنگی با آن دارد. اینها در حالی است که در جامعه سکولار مدرن نه اثری از صلح به معنای توحیدی آن دیده می‌شود و نه از دوستی ارسطویی. اما ساختار جامعه معاصر می‌توانست به گونه‌ای دیگر باشد، و بهره‌برداری از منابع عمیق و صلح‌آفرین سنت‌های دینی مان می‌تواند در این کار به ما یاری کند.